



دانشگاه الزهرا

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ، گرایش تاریخ اسلام

عنوان

بررسی سنت پناهندگی در جاهلیت و عصر نبوی (ص)

استاد راهنما

دکتر شهلا بختیاری

استاد مشاور

دکتر هدیه تقوی

دانشجو

آزاده سیار خسمخی

شهریور 1396

ایستاد محترم



دانشگاه الزهرا

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

تاریخ / تاریخ اسلام

بررسی سنت پناهندگی در جاهلیت و عصر نبوی (ص)

استاد راهنما

دکتر شهلا بختیاری

استاد مشاور

دکتر هدیه تقوی

دانشجو

آزاده سیار خسمخی

شهریور 1396

«کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه

الزهراس) است».

تقدیر و قدردانی

سپاس بیکران خدای را که دیباچه همه کتاب‌ها از تمجید او آرایش گیرد و مطلع همه خطابه‌ها از ذکر او نیت پذیرد.

از تلاش‌های اساتید گرانقدر راهنما و مشاور، سرکار خانم دکتر شهلا بختیاری و سرکار خانم دکتر هدیه تقوی که در تهیه این پایان‌نامه راهنما و مشوق من بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

از دوستانی که هر یک به نحوی در این پژوهش با من همراه بودند، به ویژه از کمک و همراهی دوست عزیزم خانم عاطفه جزینی تشکر می‌کنم.

چکیده

سنت اجتماعی جار که از یک طرف حاصل وضعیت سیاسی قبائل و از طرف دیگر محصول شرایط جغرافیایی شبه جزیره بود پیش از اسلام به عنوان هنجار و ارزشی اجتماعی میان قبائل عربی نقش بسزایی در زندگی روزمره مردم به عهده داشت. مردمان عرب به کمترین بهانه‌ای به قانون جار متمسک می شدند و امنیت مالی و جانی خود را تضمین می کردند. کارکرد اجتماعی جار محدود به حفظ امنیت مالی و جانی افراد نمی شد. رد پای سنت جار را در کم اهمیت ترین مسائل تا درگیری‌های بزرگ قبیله‌ای می توان ملاحظه کرد.

پیش از اسلام افراد پیرو انگیزه‌های شخصی و قبیله‌ای خود اقدام به انعقاد جار می کردند و اساساً از رهگذر آن به مقاصد و نیات خویش دست می یافتند. با گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی این سنت دستخوش تغییراتی شد و پیامبر(ص) مواضع متفاوتی نسبت به این سنت اتخاذ کردند. این پژوهش به دنبال بررسی تغییرات ایجاد شده در چگونگی سنت جار از دوره جاهلی به نبوی می باشد.

در این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی، در قالب گردآوری داده‌های تاریخی و مقایسه و مطابقت این داده‌ها این نتیجه حاصل شد که سنت جار یا پناهندگی با حکم امضایی مورد تأیید حکومت اسلامی واقع شد و به عنوان امان ضمن تصدیق دچار تغییراتی چند شد. با تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد قانون نامه مدینه قوانین و شرایط خاصی برای دادن امان مترتب شد و در ادامه بر اساس دستورات قرآن با طرح انواع دیگری از مدل‌های پناهندگی به این سنت اجتماعی وجه دینی بخشیده شد.

واژگان کلیدی: امان - جار - ولاء - جاهلیت - پناهندگی - دوره نبوی

فهرست مطالب

عنوان.....صفحه

مقدمه

فصل نخست: کلیات تحقیق

- ۱-۱: بیان مسئله..... ۲
- 2-1 سوالات پژوهش..... 3
- 3-1 روش پژوهش..... 3
- 4-1 تعریف و تحدید واژگان..... 3
- 5-1 پیشینه پژوهش..... 9
- 6-1 معرفی و بررسی منابع..... 16
- ۱-۶-۱: منابع ادبی:..... ۱۶
- ۱-۶-۲: تاریخ عمومی..... ۲۰
- ۱-۶-۳: سیره و مغازی:..... ۲۲

فصل دوم: پناهندگی در دوره جاهلی

- 1-2 بررسی وضعیت عمومی شبه جزیره پیش از ظهور اسلام..... 25
- ۱-۱-۲ ترکیب جمعیتی..... ۲۷
- ۲-۲ انواع پناهندگی:..... ۳۲
- ۱-۲-۱-۱ ولاء قرابت:..... ۳۲
- ۱-۳-۲-۱ ولاء حلف:..... ۳۳
- ۲-۲-۱-۲ ولاء جار:..... ۴۱
- 3-2 انواع جار در جاهلیت..... 48
- ۱-۳-۲ جار در سایه خدایان و الههها..... ۴۸
- ۲-۳-۲ جار در سایه قبور افراد سرشناس..... ۵۰
- ۳-۳-۲ جار در سایه افراد سرشناس:..... ۵۲
- ۱-۳-۳-۲ جار انفرادی:..... ۵۳
- ۲-۳-۳-۲ جار قبیله ای:..... ۵۳
- ۳-۳-۲-۲ طرفین جار:..... ۵۴

۵۶	۴-۳-۲-۲ وظایف مجیر:
۵۶	۵-۳-۲-۲ وظایف مستجیر:
57	4-2 شرایط عمومی جار:
۶۰	۱-۴-۲ اشکال انعقاد جار و کیفیت قبول جار
۶۱	۲-۴-۲ کیفیت و چگونگی درخواست جار
۶۵	۳-۴-۲ انگیزه های مستجیر در تقاضای جار
۷۱	۴-۴-۲ انگیزه های مجیر در پذیرفتن جار:
۷۴	۵-۴-۲ موانع پذیرش جار:
79	5-2 جار دادن زنان:
	فصل سوم: پناهندگی در دوره نبوی
83	1-3 پناهندگی در آموزه های دینی
۸۶	۱-۱-۳ مصادیق پناهندگی در دوران مکی دعوت:
88	2-3 پیمان عقبه دوم:
91	3-3 پیمان نامه مدینه:
۹۳	۱-۱-۳ بررسی متن قانون نامه مدینه:
102	4-3 صلح حدیبیه:
105	5-3 نزول سوره توبه و آیه امان:
106	6-3 موارد تحقق امان در سیره نبی:
111	7-3 مدت امان در سیره نبوی:
113	8-3 دیه پناهنده
118	نتیجه گیری
121	فهرست منابع

Abstract

وضعیت سیاسی جزیره العرب قبل از اسلام عبارت بود از تجمع تعدادی از قبایل کوچک و بزرگ که مستقلاً اداره می‌شدند. این قبایل تحت سلطه هیچ گونه حکومت مرکزی واحدی نبودند. هر قبیله برای خود حاکمیتی مستقل از سایر قبایل داشت. نبودن حاکمیت سیاسی در شبه جزیره و کمبود منابع زندگی زمینه را مساعد کرده بود تا قبایل ضعیف در معرض تجاوز و تعدی قبایل قوی‌تر قرار بگیرند در چنین شرایطی حفظ بقای فرد و یا قبیله ضعیف در گرو هم پیمانی با گروه قوی‌تر بود تا در سایه این هم‌پیمانی روزگار به سر کنند. سنت ولاء محصول چنین جامعه‌ای بود. بر اساس سنت ولاء فرد تازه وارد و بیگانه خارجی می‌توانست خود را به قبیله‌ای منتسب کند تا بتواند زیر سایه و چتر حمایتی قبیله جدید از حق توطن برخوردار شود و امورات خود را بگذراند و اساساً فرد بیگانه برای بقاء در محیط قبائل نیازمند شخص یا قبیله‌ای بود که با پیوند ولاء به آن‌ها بپیوند در غیر این صورت عملاً شانس بقاء افراد به شدت کاهش می‌یافت بر همین اساس قراردادهایی چون حلف، جار و عتق و... مورد استفاده روزمره سکنه جزیره العرب شده بود. به نظر می‌رسد برخلاف محیط خارج از قبائل که زور و قدرت، عامل تعیین کننده مناسبات منطقه‌ای محسوب می‌شد، در داخل قبیله و وضعیت مسالمت آمیزی حاکم بود. عصبیت به عنوان منشاء اصلی قدرت نظامی و دفاعی قبائل و مایه قوام قبیله، اعضاء قبائل را به همدیگر متصل می‌ساخت.

با ورود اسلام و تغییر ساختارهای اجتماعی و سیاسی شبه جزیره، شرایط تا حدودی به ویژه در شهرها تغییر یافت. تصویب قانون نامه مدینه به عنوان اولین قانون نامه مکتوب شرایط موجود قبایل را به اندازه قابل ملاحظه‌ای تعدیل کرد. با استقرار حکومت اسلامی عصبیت قبیله‌ای در معنای جاهلی خود کم رنگ‌تر شد و به همین نسبت روابط حاصل از پیوندها و ولاءهای جاهلی مانند حلف جای خود را به اخوت و برادری دینی داد به طوریکه پیامبر(ص) پس از تشکیل حکومت اسلامی صراحتاً احلاف جاهلی را منسوخ اعلام فرمودند و پرونده احلاف را برای همیشه

در جامعه دینی مدینه بستند. اسلام شاخص عقیده را وارد مناسبات اجتماعی افراد نمود. دست کم تا زمانی که پیامبر(ص) در قید حیات بودند عامل عقیده فراتر از خون و نسب نقش تاثیرگذاری در جامعه اسلامی به همراه داشت.

فصل نخست:

کلیات تحقیق

۱-۱: بیان مسئله

بنا بر گواهی منابع و شواهد تاریخی، سنت پناهندگی در میان اعراب پیش از اسلام به عنوان سنت جار با ضمانت اجرایی بسیار قوی، مر سوم و متداول بوده است. جوار عمدتاً طلب حمایت فرد از مجیر برای دفاع از زندگی و مال و ناموس او بود.^۱ به موجب این سنت که می بایست رسماً اعلام می شد تا مردم از آن آگاهی یافته و حقوق جوار را محترم بشمارند فرد، عشیره و یا قبیله به فرد صاحب نفوذی متوسل می شد و با استفاده از سنت جار امنیت جانی و مالی خود را تأمین می کرد.

بر این اساس برخی از اماکن برای پناهندگان ایمن بود. به عنوان مثال هرکس از بیم جان در حرم کعبه پناه می گرفت از هر نوع تعقیب و خطری مصون بود. پس از آنکه حضرت ابراهیم بنای کعبه را مجدداً باز سازی نمود از خداوند خواست تا شهر مکه را امن و مأمّن انسانها قرار دهد.^۲ از آن پس مکه در اندیشه مردمان به عنوان شهر امن شناخته شد. پس از شکست ابرهه در تصرف مکه به سال ۵۷۰ میلادی تقدس مکه در نزد اعراب بالاتر رفت تا اینکه با ورود اسلام و تأکید قرآن احترام به پناهنده در هر شرایطی و مکانی واجب و از یک سنت و عرف عربی به یک هنجار و ارزش اسلامی تبدیل شد. عربها برای بازارهای اصلی خود نیز حرمت قائل بودند. بازارها به عنوان پناهگاه و مأمّن برای جان و مال مردم شناخته شده بودند.

مفاهیم پناهندگی یا پناهنده سابقه‌ای کهن در ادبیات دینی دارد. در قرآن مواردی از این دست یاد شده است. در داستان‌های مربوط به حضرت ابراهیم(ع) و حضرت موسی(ع) می توان سابقه تاریخی مفهوم پناهندگی را مورد بررسی قرار داد.

آیات متعددی به مسئله پناهندگی از نظر اسلام می پردازد. مبنای اصلی این قاعده اجتماعی در قرآن، آیات سوره توبه است که صراحتاً به موضوع پناهندگی و اعتبار آن در شریعت اسلام توجه دارد.

^۱ابن منظور، لسان العرب، (1416/ 1996)، الجزء الثاني، الطبعة الاولى، داراحیاء التراث، العربی، بیروت، تهران، ص؛ 413.

^۲ابوحض نجم الدین عمر بن محمد نسفی (1390)، به تصحیح عزیز الله جوینی، سروش، تهران، ص؛ 489.

این نوشته بر آن است که با مطالعه مناسبات حاکم بر جوامع عربی، چگونگی و ماهیت شکل گیری سنت جار را که پیش از اسلام مورد استفاده قبایل بوده است، برجسته سازد و از این راه به بررسی تفاوت‌های اصلی این سنت در دوره جاهلی و اسلامی بپردازد.

1-2: سوالات پژوهش

سنت پناهندگی در گذار از دوران جاهلی به دوران اسلامی چه تغییراتی یافت؟

1-3: روش پژوهش

این پژوهش که مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است ابتدا در قالب گردآوری داده‌های تاریخی از منابع تاریخی دست اول در باب سنت پناهندگی در دو دوره جاهلیت و اسلام صورت گرفته است و در آخر با توجه به داده‌های به دست آمده این سنت در دو دوره با یکدیگر مطابقت داده شد.

1-4: تعریف و تحدید واژگان

هر پژوهشی دارای اصطلاحات و عبارات تخصصی است که مستلزم آگاهی از دایره معانی آن واژگان می‌باشد که با توجه به تفاوت معنایی آن واژگان در حوزه‌های مختلف لازم می‌نماید، پیش از ورود به مبحث اصلی به شرح و توضیح و همچنین تحدید این واژگان و اصطلاحات پرداخته شود چرا که خواننده را به درک عمیق تر رهنمون می‌سازد.

با توجه به اهمیت این مسئله، در ذیل به شرح مهمترین مفاهیم کلیدی این پژوهش پرداخته خواهد شد.

امان : تقریباً تمام لغت شناسان واژه امان را مشتق از "ا-م-ن" آورده اند همچنین برای ماده "امن" دو مصدر ثلاثی مزید و ثلاثی مجرد در نظر گرفته اند. در مورد ثلاثی مجرد ماده "امن" همه اتفاق نظر دارند که ماده "امن" به معنای آرامش و سکون نفس است. اما در خصوص ثلاثی مزید به معنای ایمان اختلاف نظر موجود دارد. در ذیل به نقد و بررسی نظرات برخی از زبان شناسان پرداخته شده است:

واژه امان در لغت: از نظر خلیل بن احمد در کتاب العین واژه امان را ذیل ماده "امن" آورده است. مصدر ثلاثی مجرد این واژه را آرامش معنا کرده است. امن را در حالت اسمی ضد خوف و ترس می داند و در حالت فعل ذیل واژگان امن- یامن و امنا به معنای امان دادن و در امان قرار دادن آورده است همچنین اسم مکان این ماده را مامن به معنای محل امن و آسایش آورده است.^۱

ابن منظور در لسان العرب واژه امان و امانت را ذیل ماده "امن" آورده است و در معنای ثلاثی مجرد این ماده وارد نشده است و اکتفا کرده به این معنا که امان ضد خوف و ترس و ایمان ضد کفر است.^۲ واژه امان در اصطلاح قرآنی: ماده "امن" از سه حرف "ا-م-ن" تشکیل شده، به معنای آرامش و سکون نفس و از بین رفتن ترس می باشد. تکرار مشتقات آن ۸۷۹ بار در ۷۷ سوره و ۷۲۳ آیه از قرآن آمده است. کلمه "امن" دو مصدر ثلاثی مجرد و مزید دارد. مصدر ثلاثی مجرد آن عبارت است از: الامن و الامانه و الامان. مصدر ثلاثی مزید آن کلمه ایمان و مشتقات آن مثل: مومنون، یومنون و مانند آن می باشد.^۳

در این رابطه راغب اصفهانی در مفردات ثلاثی مجرد ماده "امن" را آرامش نفس و از بین رفتن و زوال عامل ترس و خوف می داند همچنین واژه امان را جزء مصادر ثلاثی مزید ماده امن معرفی می کند.^۴

۱. خلیل بن احمد، العین، (1409)، محقق، مخزومی، مهدی، سامرایی، ابراهیم، دارالهیجره، قم ج: 4، ص: 388.

۲. ابن منظور، جمال الدین ابو الفضل محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، (1414)، ج: 4، دارصادر، بیروت، صص: 224-223.

۳. غلام علی همایی، واژه شناسی قرآن مجید، (1393)، ج: 4، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، زلال کوثر، ص: 118.

امان احیاناً اسم برای حالتی که انسان در آن در امنیت و آرامش به سر می‌برد و گاهی بر کسی اطلاق می‌شود که انسان به واسطه او احساس امنیت می‌کند.

مثال: قول خداوند: " و تخونوا اماناتکم " {انفال/ ۲۷} یعنی به چیزهایی که بر آن ایمن بودید خیانت نکنید همچنین مراد از آیه شریفه: " و من دخله کان آمناً " {آل عمران/ ۹۷} یعنی از آتش در امان است و بعضی گفته‌اند که: به معنای در امان ماندن از نابودی است و گفته شده است: که هر کس داخل آن شود در پناه حکم الهی در آرامش و امنیت است. در مجموع معنا چنین می‌شود که در کنار خانه کعبه کسی قصاص نمی‌شود و به قتل نمی‌رسد تا اینکه از آنجا خارج شود و با توجه به همین وجوه ذکر شده است که فرمود: " اولم یروا انا جعلنا حرماً آمناً " {عنکبوت/ ۱۵۴} و " و اذ جعلنا البیت مثابة للناس و اماناً " {بقره/ ۱۲۵} و " امنه نعاساً " {آل عمران/ ۱۵۴} و مراد از آیه شریفه " ثم ابلغه مامنه " {توبه/ ۶} یعنی منزلی که در آن امنیت و آرامش باشد. در تمام آیه‌های ذکر شده مراد از "امن" آرامش یافتن و برطرف شدن ترس می‌باشد.^۱

راغب در مورد واژه ایمان مصدر ثلاثی مزید ماده امن می‌گوید: "... اصطلاح ایمان، برای مدح و ستایش به کار می‌رود و منظور اذعان و تصدیق نفس به حق می‌باشد و این تصدیق با سه شرط محقق می‌شود؛ تحقیق با قلب، اقرار به زبان و عمل به جوارح و به هریک از سه مرحله اعتقاد قول و صدق و عمل صالح ایمان گفته می‌شود.^۲

در نتیجه واژه "امان" در لغت مشتق از ریشه امن در ثلاثی مجرد به معنای سکون نفس و آرامش و در ثلاثی مزید به معنای ایمان است و در اصطلاح به معنای تأمین امنیت و پناه دادن می‌باشد. لفظ امان از اضداد است و در معنای درخواست کمک و یاری کردن و همچنین مورد یاری قرار دادن استعمال می‌شود که در این پایان نامه به همین معنا مورد نظر می‌باشد.

^۱ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، مصحح، داوودی، عصفوان عدنان، دارالشامیه، بیروت، لبنان مفردات الفاظ القرآن، ص: ۹۰.
^۲ همان.

در این پژوهش مشتقات لفظ امن به دو معنای پناه دادن و پناهندن استفاده شده است. بر این اساس واژه "مستأمن" بر کافری که طلب حمایت و تأمین می‌کند و واژه "آمن" به مسلمانی که امنیت کافر را تضمین می‌کند، معنا شده است. همچنین لفظ استیمان به معنای درخواست پناهندگی از سوی کافر آمده است.

جار: ابن منظور در لسان العرب واژه جوار و جار را مشتق از ماده "جور" می‌داند و ذیل این ماده توضیح می‌دهد که جار به چند معنا تعبیر می‌شود. ... "کسی که به دیگری پناه می‌دهد و درخواست حمایت او را می‌پذیرد همچنین در معنای دوم به کسی که تقاضای پناهندگی و حمایت می‌کند و به شخص دیگری پناهنده می‌شود. ظلم و ستم کردن یکی دیگر از معانی ماده جور است، به طوریکه جائز را کسی می‌داند که در حق دیگران ظلم و ستم روا می‌دارد.^۱

همسایه و در سایه شخصی دیگر همسایگی اختیار کردن و در کنار او زندگی کردن هم از دیگر معانی جار آورده است. ابن منظور جوار را به معنای مجاورت و همسایگی آورده است، در لسان العرب جار: جیران و جیره و جوار و أجوار [جور] به معنای پناه دهنده، پناه خواهنده، همسایه آورده شده است.^۲

اصل این باب به معنای عدول می‌باشد. گفته می‌شود جاور، یجاور، مجاوره و جوار (در نزدیکی و مجاورت او قرار گرفت) هو مجاور لک (اوهم‌سایه و مجاور تو است) یعنی او با عدول از موضع قبلی به ناحیه ای که تو در آن ساکنی با تو همسایه و مجاور شده است.

جار عن الطريق به معنای از راه و مسیر منحرف شد و "استجار بالله" یعنی او از خدا می‌خواهد که

آورا از آتش دور و روی گردان کند.^۳

^۱ ابن منظور، ذیل واژه جور، ص؛ 414.

^۲ ابن منظور، همان، ج؛ 2، ص؛ 417.

^۳ محمدروحی و محمد فیاض بخش، (1392)، تفسیر واژگان قرآن کریم، تهران، فردا، ص؛ 115.

جوار که یجیر و یجار از آن اشتقاق یافته‌اند در اصل به معنای قرب مسکن بوده، بعدها برای همین قرب مسکن و نزدیکی خانه کسی به خانه دیگری حقی به نام حق همسایگی و یا حق جوار قرار داده‌اند که شخص از هم‌سایه حمایت نموده و به احترام هم‌سایگی از سوء قصد افراد نسبت به او جلوگیری کند. آن گاه از این ماده افعالی مشتق نموده‌اند، مثلاً گفتند: "فلان استجار فلانا" یعنی فلانی از فلان شخص جوار و پناه خواست "فاجاره" و او هم جواروش داد یعنی از او خواست تا از وی حمایت کند و او هم حمایت کرد یعنی قصد سوء دشمنان را از او دفع نمود.¹

راغب در مورد جار می‌گوید: "... جار کسی که نزدیک خانه تو زندگی می‌کند و این اصطلاح از اسم‌هایی است که معنای نزدیک به هم دارند، پس کسی هم‌سایه دیگری نیست مگر این که دیگری نیز برای او هم‌سایه محسوب می‌شود، مانند طرفینی بودن برادر و دوست. از آنجا که عقلاً و شرعاً برای هم‌سایه حق بزرگی در نظر گرفته شده است از هر کس که بر دیگران حق بزرگی دارد و یا حق دیگران را احترام و بزرگ می‌شمارد، تعبیر به جار شده است به این ترتیب در معجم عربی، ماده "جور" و مشتقاتش به سه معنای: پناه دادن و پناهنده شدن، همسایگی و همجواری و دوست و رفیق پناه دهنده معنا شده است.

در پایان نامه حاضر، مشتقات ماده "جور" به معنای پناه دادن و پناه گرفتن لحاظ شده است بر این اساس واژگان مجیر و جار و مستجیر نیز به معنی پناه دهنده و پناه جو از نظر دور نمانده است.

البته در تعدادی از آیات قرآنی، بحث امان و پناهندگی به صورت ضمنی مطرح شده است. به عنوان نمونه در آیه دهم سوره مبارکه ممتحنه به مسئله پناهندگی زنانی که به قلمروی مسلمانان ورود کرده‌اند و وظیفه حاکم و یا فرد مسلمان نسبت به آن‌ها اشاره شده است.

خداوند در این آیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ

¹همان.

لَهُمْ وَ لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ أَتَوْهُمُ مَا أَنْفَقُوا وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَ لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمُ مِنْهُنَّ حُكْمٌ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱"

یکی از معانی واژه "ولا" از ریشه ولی که در پایان نامه پیش رو مورد استفاده قرار گرفته است موالی و ایجاد پیوند و نزدیکی میان افراد و قبائل است. به همین دلیل لفظ "ولی" ذیل واژگان تعریفی، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه ولی در لغت: ابن منظور در لسان العرب ولی را یاور، دوست، آورده است و در حالت فعلی، یاری رساندن و کمک کردن معنا کرده است. "موالی" ذیل این کلمه به معنی خویشاوندی آمده است همچنین موالی بر گروهی از بردگان که آزاد شده‌اند و در کنار صاحب خود منزل گرفته‌اند، اطلاق شده است. مولی، دیگر واژه مشتق از ولی به معنای جار، شریک و یاور آمده است. همچنین واژه موالی از ریشه ولی به معنای کسی است که در قالب قرارداد حلف، با کسی و یا قبیله‌ای همپیمان شده، آمده است.^۲

واژه ولی در اصطلاح قرآنی: کلمه ولی (جمع: اولیاء) از ریشه عربی "ولی" مشتق شده و به معنی نزدیک، قریب یا مجاور بودن و یا پیروی از کسی یا چیزی است. "ولی" کسی است که نزدیک و صمیمی است، مانند دوست، یار، همراه، شریک، خویشاوند، محبوب، جانشین، محافظ و نگهبان. در قرآن کلمه ولی و مشتقات آن (یَلِی، وَلاَیَه، والی، اُولی، مَولی، وَلیّ، و...) آن در حدود ۲۰۰ بار در قرآن

¹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان به‌عنوان هجرت نزد شما آیند، آن‌ها را آزمایش کنید- خداوند به ایمانشان آگاهتر است- هر گاه آنان را مؤمن یافتید، آن‌ها را به سوی کفار بازنگردانید نه آن‌ها برای کفار حلالند و نه کفار برای آن‌ها حلال و آنچه را همسران آن‌ها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند، به آنان بپردازید و گناهی بر شما نیست که با آن‌ها ازدواج کنید، هر گاه مهرشان را به آنان بدهید و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد. حق دارید مَهْری را که پرداخته‌اید، مطالبه کنید همان گونه که آن‌ها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند) از شما مطالبه کنند این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است!

² ابن منظور، همان، ص: 402.

آمده است. در قرآن، کلمه ولی، علاوه بر استفاده به عنوان کلمه‌ای برای خدا به معنی دوست، متحد، صاحب، خویشاوند، محافظ و نگهبان نیز به کار رفته است. ولی و مولی به صورت مترادف به کار رفته‌اند تا معنای رابطه اجتماعی نزدیک، مانند خویشاوندی و اتحاد را افاده کنند. ولی یا مولی می‌تواند مدعی بعضی حقوق وراثت بوده و مسئولیت کمک به متحدان در مقابل دشمنان را در مواردی مانند مقابله به مثل در قبال قتل ظالمانه خویشاوندان برعهده دارد. به همین ترتیب،^۱ راغب اصفهانی لغت ولاء را ذیل ماده "ولی"، جمع شدن دو چیز یا بیشتر با همدیگر به گونه‌ای که بین آن دو چیز فاصله نشود معنا کرده است. این واژه برای قرب مکانی و نزدیک بودن از حیث نسبت وائین و دوستی و یاری و اعتقاد استعاره گرفته شده است.^۲ واژه ولایه به معنای یاری رساندن نیز آمده است.^۳

در پایان نامه پیش رو واژه ولاء از ریشه ولی به معنای ایجاد پیوند و رابطه نسبی و یا سببی استفاده شده است، همچنین واژه موالی به افراد و گروه‌هایی توجه دارد که در غالب قراردادهای مانند: حلف، جار و ... خود را منتسب به قبیله و افرادی دیگر می‌کردند.

5-1: پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در زمینه پژوهش حاضر، آنچه در ذیل بدان پرداخته شده شرح و نقد آن دست از آثاری است که به عنوان پیشینه این اثر قابل بررسی هستند. لذا ذکر این نکته حائز اهمیت است که با توجه به عنوان پایان نامه، اثری که مطابق با پژوهش حاضر باشد، یافت نگردید لیکن در بعضی آثار تا حدودی به موضوع پژوهش پرداخته شده است.

1-5-1: معرفی و بررسی کتب

^۱ اولیور لیمن، دانشنامه قران کریم، (1391)، محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، ص؛ 608، ذیل واژه ولی.

^۲ راغب اصفهانی، همان، ص؛ 885.

^۳ همان.

یکی از معتبرترین آثار نوشته شده در زمینه تاریخ جاهلیت، کتاب «المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام»^۱ نوشته جواد علی است که در ۲۰ مجلد به نگارش در آمده است. نویسنده در این اثر از جهات مختلف به بررسی مناسبات اجتماعی - اقتصادی عرب‌ها، پیش از اسلام پرداخته است. جواد علی صرفاً به گزارش روایات اکتفا نکرده است، بلکه با نگاهی نقادانه و تحلیل‌گر به مسائل پرداخته است و از همین حیث کتابش را نسبت به دیگر آثار مشابه، برجسته نموده است. نویسنده ضمن گزارش روایات تاریخی و ادبی و تحلیل داده‌های تاریخی به انعکاس مطالعات خاورشناسان و باستان‌شناسان نیز پرداخته است و در بسیاری از موضوعات به شواهدی قرآنی، استفاده کرده است. نویسنده در مجلد چهارم، ذیل بحث مربوط به سنن جاهلی، اشاراتی به انواع مناسبات اجتماعی بین قبایل دارد، همچنین در این بخش به کیفیت و چگونگی سنت جار و کارکرد اجتماعی این سنت در میان قبایل عرب دوران جاهلیت پرداخته است. این کتاب در میان کتبی که به اوضاع اجتماعی عرب‌ها قبل از اسلام پرداخته‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که بسیاری از مطالعات بعدی به استناد به مطالب این کتاب به نگارش در آمده‌اند. همان طور که از عنوان کتاب مشخص است، مباحث صرفاً مربوط به قبل از ظهور اسلام است و به تبع این موضوع، سیر تطوری سنت جار که هدف اصلی از نگارش این پایان نامه می‌باشد، در این کتاب لحاظ نشده است.

نظم العرب قبل از اسلام^۲: کتاب نظم العرب قبل از اسلام تألیف محمود سلام زنتی از جمله منابع جامع موجود در زمینه سنن اجتماعی عرب جاهلی می‌باشد. کتاب شامل یک مقدمه و نه فصل می‌باشد. هر یک از فصول به یکی از سنن اجتماعی عرب‌ها در دوران جاهلیت اختصاص داده شده است. فصل پنجم کتاب، تحت عنوان نظام جوار شامل اطلاعات تاریخی مفیدی در باب سنت جوار در دوره جاهلیت می‌باشد. نویسنده در این بخش به تشریح سنت جار پیش از ورود اسلام در جامعه عرب پرداخته و از زوایای مختلف به بررسی این سنت پرداخته است. از این حیث بخش‌هایی از کتاب به لحاظ شکلی با

^۱ جوادعلی، (1380)، المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام، انتشارات الشریف الرضی، بغداد.

^۲ محمود سلام زنتی، نظم العرب قبل الاسلام، (1992)، قاهره، دارالناصیف.